

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سیدموسی عثمان هستی

۲۱ سپتمبر ۲۰۱۵

این گله نیست، جواب هم نیست ، یک درس تاریخی شده می تواند

من پیرشدم دست ندارد به نوشته توان دریسترمریضی افتاده ام پیر و پریشان

باخبرباش تاریخ نه خوابست و نه خیال تاریخ من آتش و قبرمن باشدچوآتشفشان

شاعری وزن وبی ترازو

از مدتها قبل می خواستم پوزه هاشمیان، یکی از سگان دهن دریده هاشم جلاد، را خرد کنم، مگر دم تیرم را نمد پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" گرفته بود که نمی گذاشت با این تخم حرام آن طوری که دلم می خواست، تصفیه حساب کنم. خدا را شکر که هاشمیان ماهیت خود را اشکار ساخت و پوزبند قلم من در موردش برداشته شد، حال این شما و این هم آزادی قلم:

هاشمیان به نام پشتون است و پشتو حرف زده نمی تواند و عرب بودنش نظر به تاریخ و نوشته قاضی عصمت الله روحانی که سید های کنر را به روایت تاریخ نواسه قنبرعلی می خواند، صدفکر نام جد هاشمیان می باشد که نام جد قنبرعلی ، صدفکرعلی بوده ازپاردریا به کنر آمده بودند. نظریه نوشته قاضی روحانی که اصلاً ازکنر است و فعلاً درشهرمازندگی می کند قبلاً اینها شیعه مذهب بودند، حالا سنی مذهب هستند.

هاشمیان چشم ملاعمررا به خاطرخصومتی که با دری زبانان افغانستان دارد بوسیده واینرا حق هم داشت چون جد محترم هاشمیان قبل از ملا عمر به اساس سنددست داشته استاد حسن کاکر مؤرخ شناخته شده افغانستان که داکتری در رشته تاریخ از دانشگاه های معتبرانگلیس دارد و فعلاً درافغانستان درقسمت تاریخ حرف اول را می زند و این اسناد در موزیم پشاورموجود است که سید محمود کنری جد هاشمیان درخدمت انگلیس هاقرارداشت وانگلیسها درزمان امیرعبدالرحمان خان می خواستند از سید محمود کنری یک ملا عمربسازند. امیرعبدالرحمن خان ازدسیسه انگلیسها آگاه شد و به انگلیسها گفت: ازپشک ماده پلنگ ماده نسازید جنگل افغانستان شیردارد

چون راز ردالت انگلیسها افشاء شد دست ازحمایت سیدمحمود کنری برداشتند امیر عبدالرحمان خان دستورداد میخ فولادی بزرگتر، درازتر و لکتر ازفلان من بسازید تا من درکون سید محمود با دست خودبگویم سیدمحمودکنری خبرشد به انگلیسها گفت من به خاطرخدا درخدمت شما قرارنداشتم که پادش خود را درآخرت ازخدا بگیرم . اورا انگلیسها ازناچاری به هند بردند به امیرعبدالرحمن خان گفتند که ما هیچ وقت جاسوس خود را به کسی نمی دهیم اورا تحت نظارت قراردادیم .

امیرنا امید شد به لالا کرنیل وردکی که بیریش امیر و ازغلام بچه های امیر بود و در آن وقت در دربارهمه کاره بود گفت : انگلیسها ازسیدمحمودکنری دفاع کرد. لالا کرنیل که کاراستخبارات درداخل ارگ را انجام می داد دست به کار

شده اطلاع حاصل نمود که زن و دختران سید محمود تا آزمان به هند نرفته بودند و در شرف رفتن هستند. امیر را آگاه کرد امیر به دزدان وردکی و شمالی دستور داد بروید زن و دختر سید محمود جاسوس را بیاورید و در راه هم از پس و پیش شان انتقام مرا بگیریید.

خانواده سید محمود را ناجوانمردانه به کابل آوردند و دستور امیر را در راه تطبیق کردند. وقتی که سید محمود خیر شد به انگلیسها گفت کشتن من به دست امیر بهتر بود نه این حالتی که سر خانواده من آمده. انگلیسها گفت تومی خواهی هم در جنگ کشته شوی هم غازی و هم سلامت به خانه خود برگردی در سیاست این امکان ندارد سید محمود کنری به امیر عبدالرحمان خان نوشت کسی که به اجنبی جاسوس شوی سر نوشت من دچار می شود. روزی خواهد رسید که سر نوشت خانواده تو مثل سر نوشت خانواده من شود امید است که زنده باشی و به چشم سر ببینی. سید محمود کنری واقعاً حرف زیبا و تاریخی زده بود سر نوشت زمام داران افغانستان خصوصاً از طالب، مجاهد و حزب دموکراتیک خلق و حکومت موجوده همین قسم شد یکی سر ناموس دیگر تجاوز کردند، روح بر ژنف و ضیاء الحق را شاد نمودند

هاشمیان، اعظم سیستانی را که در زمان خلق و پرچم در شورای انقلابی و در "اکادمی علوم" در کابل به جاسوسی اشتغال داشت و به گفته ظاهر افق برای کبیر رنجبر جاسوسی می کرد و به دستور کبیر رنجبر هنوز نوشته های وی در افغان جرمن به نشر می رسد و در غیاب از طرف صمد ازهر و دیگران حمایت می شود.

هاشمیان از او خواهش کرد که در تاریخ سید محمود کنری رابرائت بدهد سیستانی که شرف خود را در تاریخ نویسی قبلاً باخته بود، قلم برداشت خواست تاریخ را سر چپه سازد. با قلم به دهنش کوبیدم. به حسن کاکر گفتند که چرا جواب سیستانی را اندادی خنده کرده گفت: من استاد تاریخ نیستم سید موسی عثمان استاد تاریخ است. اسناد پوز سیستانی را به خاک مالید و کسی که از معلومات های استاد سید موسی عثمان استفاده می کند آئینه تاریخ در بغل دارد. تشکر استاد محترم کاکر صاحب، من بچه نیستم که مانند دو خانم به نام استاد خوش شوم من در پوهنتون هم می گفتم لطفاً مرا استاد نگوئید که صلاحیت دادن لقب استادی را غیر لیاقت خودش، کسی دیگر ندارد هر کی دهل به گردن اندازد استاد نیست و هر کی قلم به جیب گذارد نویسنده نیست باز هم از لطف استاد کاکر تشکر می کنم. گرچه من شاگرد هاشمیان و کاکر صاحب در پوهنخی ادبیات نبودم با آنها استاد کاکر را در تاریخ نویسی و میتود تاریخ نویسی، استاد خود می دانم

سید حیدر مسعود برادر هاشمیان، و تمام فامیل هاشمیان در جاسوسی سرچند خود را خاریده بودند از سر نوشت نیاکان خود پند نگرفته در دامن روس افتادند و همین هاشمیان را در زمان قدرت شان با پاسورت رسمی از افغانستان کشیدند و به اساس همکاری هاشمیان استادان پوهنتون کابل را به زندان انداختند و حرف عبدالرحمان پژواک را به کرسی نشانند که پژواک می گفت: مرادولت هر جا که مقرر کرد هاشمیان را به تعقیب من فرستاد.

خوب آقای هاشمیان گفتمی کسانی که سر من نوشتند این طرز نویسندگی را نزد سید موسی عثمان آموخته اند نه خیر آنها از من نیاموختند و اگر از من می آموختند من مثل امیر عبدالرحمان خان سفارش ساختن میخ فولادی را می دادم تا در مقعد تو و قلم تو می زدم. اینها نرم نویسان بودند فلان و قلم شان مانند فلان و قلم من شیخ نیست و این سست نویسان را نباید شاگرد من می گفتمی من سبک به خصوص خود را در شعر و در نوشته دارم. نه من تا امروز به سبک کس نوشته ام نه کس به سبک من نوشته می تواند. سبک من جرأت، پاکی و صداقت و بی پرده نویسی می خواهد تنها در شعر از سبک من کار گرفتند. کنایه و طنز و شوخی را در شعر مقدم از قوانین شعری دانستند با افتخار گفتند این قسمت شعر را از طرز و سبک شعری قاضی موسی گرفتیم که این جمله به عقیده من یک طنز بیش نیست من به جای نویسندگان چیره دست و شعر شناسان نرسیده ام که از من و سبک من پیروی کنند به خاطر شوخی استفاده کردند.

شما به سایت وزین استاد حمید انوری مگرسرنامی زنید که من به تو و قیس کبیر و بقیهتوصیه کردم که حد خود را بشناسید، از تاج بخشی دست بگیرید و هر کسی را استاد و استاد ادب دری خطاب نکنید زیرا نه آن افراد استاد اند و نه شما حق دادن استادی را به کسی دارید و این استادی دادن روزی لاش بوگین می شود جز کل مرغان نول چنگ کسی دیگری دور این لاش دیده نخواهد شد حالا به تو و به نوری و قیس کبیر می گویم شما در جامعه افغانی نه از نگاه شخصیت و نه از نگاه دانش جایی ندارید چرا از چتلی خود به این و آن تاج بخشی می کنید که بویش دماغ ملیت های افغانستان را بد بویسازد

آقای آزاد ل. در پورتال وزین "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" به دو خانم توصیه محترمانه نموده بود ولی من نه تنها توصیه نمی کنم می گویم قبلاً فکر کنید که شما و کسانی که به شما استادی می دهند از نگاه دانش در جامعه افغانی چه نقشی دارند و یا همین داکتر کاظم که پدران شان در دربار جاسوسی می کردند و یادداشت های سید قاسم رشتیا را بخوانید و این خانواده را می شناسید که در بار حرف اول می زدند و این حرامزاده با قیس کبیر در سایت افغان جرمن چتلی شور می دهند این قیس کبیر نه شرم دارد نه آبرو و با وجود این که می داند مسعود فارانی یک پرچمی و بیریش مجید زاده پرچمی معاون مجله میرمن بود در بست کاتب کاری کرد حالا قیس کبیر به خاطر وطنداری از اونا بغه ساخته و او هم به نام پشتو و فارسی تنبان را با کون جنگ می اندازد باز میگویم به توقیس کبیر مرا مجبور نساز و دهن سگان خود را بگیر ورنه من تو و خانواده ترا از نزدیک می شناسم و تا حال به احترام استاد حمید انوری چشم پوشی می کنم .

شعله ئی ها مردمان باناموس بودند، جاسوس نبودند وطن فروش نبودند، هزاران کشته و شهید دادند، وطن را نفروختند اولین جهاد علیه روس و شما وطن فروشان را در پنچشیر آغاز نمودند ، زیر بار روس نرفتند، شما چرا انسان های شریف را از نظر سامانی های تسلیمی می بینید. اکثر سامانی ها از مارکیست بودن خود انکار می کنند در دامن چنل ادیان خرافی خود را انداختند و شما از همان ناخن افگار کاری گیرید. شما شعله ئی را چرا از نظر مارکیست هایش نمی بینید همان شعله ئی هائی که در نظر شما رذیل تراست از شما قماشان اوباش شریف تر بوده و است و حتی سگ تسلیمی های ساما سر شما و دار و دسته شما شرف دارد.

تا به کی ملیت های افغانستان به نام آیدیا ، به نام منطقه، به نام قوم و قبیله و به نام زبان و به نام دین و مذهب به هم می اندازید و کارشاهان قبیله ئی را شما می کنید همه ملیت های افغانستان برادر و برابر اند و اگر هر ملیت افغانستان خواب برتری می بیند او در پهلوی مادر خود، شوهر مادر خود را انگلیس می بیند و از میخ انگلیس می پرد. شما چرا آدم نمی شوید و از اعمال گذشته خود نمی آموزید. مردم را به اندازه ای به بینی رساندید که امروز حتی پشتون پوهنتون نمی گوید و آن طرف خط دیورند خود را پاکستانی قلمداد می کند و از نام افغانستان نفرت دارد و در خدمت انگلیس و پنجابی ها قرار گرفته اند و هنوز هم شما شرم ندارید هر روز دهل کثافت داعش و طالب را می زنید تو کجا افغان هستی که نام سایتت را افغان ماندی روح مستوفی صاحب شاد از نام آن مرد بزرگ بشرم اوباش هارا مجال نوشته و نظر خواهی ندهید

باقیدارد